

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال بیستم، شماره هفتادونهم

پاییز ۱۳۹۸

عوامل به کارگیری بردگان در ساختار سیاسی و نظامی فاطمیان

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۱/۶

تاریخ تأیید: ۹۸/۱۰/۷

۱ سیده لیلا تقوی سنگدهی

۲ فاطمه عسگر خانی

۳ بهرام بهرامی

فاطمیان (۲۹۷-۵۶۷ ق) اسماعیلی مذهب که ابتدا در مغرب اسلامی به قدرت رسیدند و سپس وارد مصر شدند در ساختار سیاسی و نظامی حکومت خود به ویژه در سپاه، مناصب درباری و حکومت ولایات به عناصر بومی متکی نبودند و به صورت گسترده از بردگانی با نژادهای مختلف بهره می‌جستند. مقاله پیش رو می‌کوشد پس از ارائه تصویری کلی از مصداق‌ها و نمادهای اقتدار بردگان به روش وصفی-تحلیلی به این پرسش اصلی پاسخ دهد که مجموعه عوامل داخلی و خارجی تأثیرگذار در جلب و جذب غلامان به وسیله فاطمیان چه بود؟

این بررسی نشان می‌دهد که عواملی مانند جنگ، برتری نیروی نظامی بردگان، افزایش تعداد بردگان، تحکیم قدرت خود در برابر مدعیان داخلی، عدم اعتماد به نیروهای بومی و محلی در پی آشوب آفرینی‌های مکررشان، خطر همراهی نیروهای محلی با خلافت عباسی، توسعه ارضی و فراهم کردن سپاهی

۱. استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه زنجان (sangdehi@yahoo.com).

۲. کارشناس ارشد تاریخ تمدن و تمدن ملل اسلامی دانشگاه زنجان (f.history@gmail.com).

۳. استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه زنجان (bahram.bahrami40@yahoo.com).

مطیع و فاقد تعلقات مادی و منطقه‌ای از عوامل اصلی به کارگیری گسترده
بردگان در ساختار سیاسی و نظامی بوده است.

کلیدواژگان: فاطمیان، بردگان، مصر، مناصب درباری، سپاه فاطمی.

۱. مقدمه

فاطمیان در سرزمینی روی کار آمدند که برای مدتی دو حکومت سنی طولونیان (۲۵۴-۲۹۲ق) و اخشیدیان (۳۲۳-۳۵۸ق) که هر دو با وجود استقلال جزئی، مطیع عباسیان بودند در آن جا حکومت می‌کردند.^۱ سرانجام، حکومت مصر به فاطمیان رسید. حکومتی که یکی از شاخصه‌های آن تکیه بر مذهب اسماعیلیه و درگیری با عباسیان بود. یکی از ویژگی‌های فاطمیان، وجود غلامان در پست‌های مختلف بود. این غلامان در ساختار سیاسی و نظامی فاطمیان به سرعت رشد کردند و به مقامات بالا رسیدند، اما به تدریج به چالشی در ساختار سیاسی مبدل شدند. نقش مؤثر آنان در منازعات سیاسی، عزل و نصب و حتی قتل خلفا و امیران، تأثیر آنان را در سیر حوادث سیاسی تاریخ فاطمیان نشان می‌دهد.

درباره فاطمیان کتاب‌هایی نوشته شده است، مانند *فاطمیان در مصر* نوشته ناصری طاهری، *التاریخ الفاطمی السیاسی و التاریخ الفاطمی الاجتماعی* نوشته ابراهیم رزق الله آیوب و کتاب *پیشگامان حکومت‌های شیعی* نوشته مریم معزی. در کتاب خانم معزی، مطالب مفیدی درباره نژاد غلامان و به کارگیری آنها به‌وسیله فاطمیان در امور سیاسی - نظامی آمده است^۲، اما آنچه پژوهش حاضر را از این کتاب متمایز می‌کند، هدف اصلی

۱. ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون، ج ۳، ص ۴۸۹-۵۱۳، ۴۹۲-۵۱۷.

۲. معزی، پیشگامان حکومت‌های شیعی؛ تاریخ حمدانیان و فاطمیان، ص ۱۶۲-۱۷۱، ۱۴۳-۱۶۴، ۱۴۴-۱۷۳.

پژوهش حاضر است که به تحلیل و بررسی دلایل و عوامل ورود غلامان در عرصه‌های سیاسی - نظامی فاطمیان می‌پردازد.

این پژوهش می‌کوشد به پرسش اصلی دلایل استخدام گسترده غلامان در نظام سیاسی فاطمیان چیست؟ پاسخ دهد. فرضیه اصلی تحقیق عبارت است از این که به نظر می‌رسد عدم اعتماد به نیروهای بومی در پی آشوب آفرینی‌های مکررشان و خطر همراهی نیروهای محلی با خلافت عباسی و فراهم کردن سپاهی مطیع سبب شد، فاطمیان به استخدام گسترده غلامان روی آورند.

۲. پیشینه حضور غلامان در مصر دوره اسلامی تا روی کار آمدن فاطمیان

جهت تبیین و پاسخ به این پرسش که چگونه عملکرد زمامداران مصر پیش از فاطمیان در به کارگیری غلامان به وسیله حکومت فاطمی مؤثر واقع شد؟ باید نگاهی مختصر بر این دوره‌ها افکنده شود. دولت‌های طولونی و اخسیدی که خود خاستگاه غلامی داشتند، نقش‌های مهمی را در تمام امور به غلامان سپاه و سفید می‌سپردند. تنوع نژادی غلامان در این حکومت‌ها، شایسته توجه است. سپاه طولونی متشکل از غلامان ترک، سودانی، بردگان دیلمی، بردگان رومی و غلامان غوری بود.^۱

حکومت طولونیان در مصر به صورتی گسترده، مملوکان ترک و سودانی را به کار گرفتند و در بنای دولت خویش و ادامه آن (حک. ۲۵۴-۲۹۲.ق) به آنان وابسته بودند.^۲ به خصوص آن که احمد بن طولون (حک. ۲۵۴-۲۷۰.ق) ترک بود و پدر احمد بن طولون، غلامی ترک از فرغانه^۳ بود که به سال ۵۲۰.ق امیر سامانی بخارا، او را به مأمون هدیه

۱. صلاح الدین خلیل صفدی، الوافی بالوفیات، ج ۶، ص ۲۶۶؛ مقریزی، المواعظ و الاعتبار فی ذکر خطط و الآثار، ج ۱، ص ۹۴.

۲. ابن تغری بردی، النجوم الزاهرة، ج ۳، ص ۱۵-۱۶.

3. Fargana.

فرغانه، شهر و ناحیه ای در ماوراء النهر در نزدیکی بلاد ترکستان بود که روستاهای بسیاری داشت (یاقوت حموی، معجم البدان، ج ۴، ص ۲۸۷).

داده بود.^۱ احمد بن طولون برای حفظ قدرت خویش، یک صد هزار سپاهی فراهم کرد که هسته آن، نگهبانان مخصوص و غلامان ترک و سودانی بودند.^۲

آن گونه که جاحظ (د. ۵۲۵ ه.ق) در *رسائل السیاسیه* توضیح می‌دهد، ترکان دارای ویژگی‌هایی مانند قدرت جسمی، سرعت عمل، اراده قوی، صبوری بر مسائل و سختی‌ها، مهارت در سوارکاری و مهارت در جنگ خاصی بودند. به عقیده او، هر ملتی به چیزی مشهور است و ترکان در جنگ شهره هستند و بر دیگر ملل برتری دارند. یونانی‌ها در حکمت، چینی‌ها در صنعت و عرب‌ها در ادبیات بر دیگر ملل برتری دارند.^۳ هم‌چنین، سیاهان به سبب ویژگی‌هایی مانند قدرت بدنی، شرافت و سخاوت مورد توجه حاکمان بودند.^۴

طولونیان با روش‌های مختلف، غلام و برده به دربار خود جذب می‌کردند.^۵ سه روش اسارت در جنگ، پیروزی بر رقیبان و به دست آوردن غلامان آنان^۶ و خرید بردگان و تشکیل سپاه از ایشان، مهم‌ترین روش‌های ورود برده به مصر بود.^۷ وجود قطیعه‌هایی^۸ به نام غلامان در شهر قطائع، مثل قطیعه سودان و قطیعه روم^۹، فراوانی و اهمیت غلامان را در سپاه طولونی نشان می‌دهد.

۱. مقریزی، المواعظ و الاعتبار فی ذکر خطط و الآثار، ج ۱، ص ۹۴؛ ابن الایاس، بدائع الزهور فی وقایع الدهور، ج ۱، ص ۱۶۲؛ شبلی، موسوعة التاريخ الاسلام و الحضارة الاسلامية، ج ۵، ص ۹۸.
۲. شبلی، موسوعة التاريخ الاسلام و الحضارة الاسلامية، ج ۵، ص ۹۸.
۳. جاحظ، رسائل الجاحظ، الرسائل السیاسیه، ص ۴۹۵-۵۰۰، ۵۰۸-۵۱۱.
۴. همان، ص ۵۳۹-۵۴۰.
۵. بلوی، سیرت احمد بن طولون، ص ۴۴-۵۱.
۶. در منابع به صد غلام محافظ غوری اشاره شده است که محافظان شخصی احمد بن مدبر، رقیب احمد بن طولون بودند و ابن طولون، آنان را با زیرکی از چنگ رقیب به در آورد (بلوی، سیرت احمد بن طولون، ص ۴۴).
۷. همان، ص ۴۴، ۵۱.
۸. قطیعه به معنای قطعه ای از زمین و ملک است که به کسی واگذار می‌گردد تا از آن امرار معاش کند (معین، فرهنگ معین).
۹. ابن تغری بردی، النجوم الزاهرة، ج ۳، ص ۱۴-۱۷.

غلامان در حکومت طولانیان در موقعیت‌های ویژه‌ای به کار گرفته می‌شدند. حضور غلامان در پیرامون سلطان با هدف نشان دادن شکوه سلطان یا محافظت جان او مورد توجه بود.^۱ حضور غلامان سیاه سودانی در مراسم رژه سپاه طولونی، شکوه و هیبت مراسم را بیشتر می‌کرد. مقریزی (د. ۸۴۵ ه.ق) و ابن تغری بردی (د. ۸۷۴ ه.ق) مراسم رژه سپاه خماریه^۲ (د. ۲۸۲ ه.ق) را بسیار با شکوه توصیف می‌کنند. بر اساس اظهارات این دو مورخ، سربازان سیاه سودانی که در ابتدای صف این مراسم حرکت می‌کردند، مظهر فر و شکوه سلطان طولونی بودند.^۳

واگذاری حکومت ولایات به غلامان مورد توجه امیران طولونی بود. لؤلؤ غلام احمد بن طولون، ملقب به الملک الرحیم، حاکم حمص، قنسرین، حلب و دیار مضر از جزیره بود.^۴ او در ۲۶۹ ه.ق عصیان نمود و به بالیس^۵ در رقه گریخت و سپس به عراق رفت.^۶ در امور لشکری و نظامی، غلامان خدمات مهمی به دولت طولونی نمودند، اما قدرت نظامی آنان سبب مداخله گسترده آنها در امور سیاسی و داخلی شد که با قتل خماریه در ۲۸۲ ه.ق به دست برخی از غلامانش در دمشق به اوج می‌رسد. بیش از بیست نفر در این قتل نقش داشتند.^۷

۱. مقریزی، المواعظ و الاعتبار فی ذکر خطط و الآثار، ج ۱، ص ۳۱۵.

۲. خماریه فرزند احمد بن طولون بود که پس از پدر در ۲۷۰ ق قدرت را در دست گرفت و ۱۲ سال حکومت نمود. او در ۲۸۲ ق به دست خدمت‌کاران خود کشته شد. در دوره او حکومت طولونی روابط خوبی با خلیفه، معتضد عباسی داشت (ابن اثیر، الکامل، ج ۱۰، ص ۴۵۱۸، ۴۴۵۵؛ ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون، ج ۳، ص ۵۰۰-۵۰۵؛ حسن ابراهیم حسن، تاریخ سیاسی اسلام، ج ۳، ص ۴۹۲).

۳. ابن تغری، النجوم الزاهرة، ج ۳، ص ۵۹، ۶۰؛ مقریزی، المواعظ و الاعتبار، ج ۱، ص ۳۱۸.

۴. ابن اثیر، الکامل، ج ۱۰، ص ۴۴۴۱؛ ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون، ج ۳، ص ۴۷۹.

5. Bales.

منطقه ای در شام بین حلب و رقه بود که نامش از بلس بن روح از نوادگان سام بن نوح گرفته شده است (یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۱، ص ۳۹۰).

۶. ابن اثیر، الکامل، ج ۱۰، ص ۴۴۷۱؛ طبری، تاریخ طبری، ص ۲۰۷۸.

۷. ابن اثیر، الکامل، ج ۱۰، ص ۴۵۱۸؛ طبری، تاریخ طبری، ص ۲۱۱۷؛ ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون، ج ۳، ص ۵۰۵.

در دولت اخشیدی (حک. ۳۲۳-۳۵۸ق) غلامان بسیار قدرت مند بودند به حدی که ابوالمسک کافور^۱ (د. ۳۵۷.ق)، غلام زر خرید حبشی اخشید، بیست و سه سال در مصر به عنوان وصی دو فرزند محمد اخشید (حک. ۳۲۳-۳۳۴ق)؛ یعنی ابوالقاسم انوجور (حک. ۳۳۴-۳۳۹ق) و ابوالحسن علی (حک. ۳۴۹-۳۵۵.ق) با استبداد حکومت کرد و این دو امیر اخشیدی قدرتی نداشتند.^۲ کافور در عزل و نصب امیران ولایات، اختیاری کامل داشت. چنان که در ۳۳۴ق به دمشق رفت و سیف الدوله حمدانی را که بر دمشق مستولی شده بود از آن جا اخراج کرد و بدر اخشیدی را امیر دمشق نمود و همراه انوجور به مصر باز گشت.^۳

بخش عمده‌ای از لشکریان اخشیدی را غلامان تشکیل می‌دادند^۴ و در مواردی نظارت بر امیران، وزیران و بزرگان حکومت بر عهده آنان بود. فردی به نام شمّول، عهده دار امور لشکر ابوالفوارس احمد^۵ (د. ۳۵۸.ق) بود و با این حال بر اموال برخی از بزرگان نظارت داشت.^۶ در زمان اخشیدیان، علاوه بر غلامان ترک که هم نژاد با اخشیدیان بودند به دلیل آن که کافور خودش از بزرگان سیاه پوست سودانی بود، تعداد زیادی از سودانیان وارد سپاه شدند. افزون بر ترکان و غلامان سیاه، رومی‌ها در لشکر کافور بودند.^۷

۱. کافور امیر چهارم اخشیدی بود. او که نیابت دو امیر قبلی اخشیدی؛ یعنی ابوالقاسم انوجور و ابوالحسن علی را به سبب سن کم بر عهده داشت در سال ۳۵۵ق به قدرت دست یافت و خلیفه مطیع، حکومت مصر، شام و حرمین را به او داد. رابطه او با المعز لدین الله فاطمی که در این زمان در مغرب بود، خوب بود (ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون، ج ۳، ص ۵۱۶؛ حسن ابراهیم حسن، تاریخ سیاسی اسلام، ص ۴۹۶-۴۹۸).
۲. مقریزی، المواعظ، ج ۳، ص ۵۰-۵۱؛ ابن تغری بردی، النجوم الزاهرة، ج ۴، ص ۱-۲.
۳. ابن اثیر، الکامل، ج ۱۱، ص ۴۹۹۹؛ ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون، ج ۳، ص ۵۱۶.
۴. ابن تغری بردی، النجوم الزاهرة، ج ۳، ص ۲۵۶.
۵. ابوالفوارس احمد بن علی، امیر پنجم اخشیدی بود که در ۳۵۷ق به قدرت رسید. جوهر صقلی، سردار فاطمی در ۳۵۸ق مصر را به تصرف درآورد و با قتل ابوالفوارس به حکومت اخشیدیان پایان داد (ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون، ج ۳، ص ۵۱۷؛ حسن ابراهیم حسن، تاریخ سیاسی اسلام، ص ۴۹۹).
۶. ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون، ج ۳، ص ۵۱۷.
۷. مقریزی، المواعظ و الاعتبار، ج ۱، ص ۹۴، ج ۳، ص ۵۱؛ ابن تغری، النجوم الزاهرة ج ۴، ص ۶.

۳. ورود گسترده بردگان به مصر در دوره فاطمیان

در دوره فاطمیان (۲۹۷-۵۶۷ق) به سه دلیل عمده، تعداد بردگان و غلامان رو به افزایش نهاد. یکی از این دلایل، خرید و تجارت برده بود.^۱ خرید برده که از دوره اول عباسی، رونق گرفته بود مورد توجه حاکمان مصر قرار گرفت. به گونه‌ای که از زمان طولونیان و سپس اخشیدیان، شاهد تجارت برده در این سرزمین هستیم.^۲

در منطقه شمال آفریقا، بازارهای مخصوصی برای خرید و فروش برده وجود داشت. به عنوان نمونه می‌توان به بازار زویله در جنوب طرابلس^۳ اشاره نمود که از آن‌جا بردگان و غلامان سودانی به سرزمین‌های مجاور، مانند مصر برده می‌شدند^۴ و در جنوب غرب مصر، بازار خرید و فروش این بردگان رونق داشت.^۵

به دلیل استقبال خلفای فاطمی از ورود بردگان، تجار برده به تجارت خود رونق دادند و بسیاری از بردگان را وارد بازارهای مصر کردند. به طوری که علاوه بر غلامان سودانی و سیاه، بردگان ترک از شمال شرقی ایران به بازارهای غربی آورده می‌شدند.^۶ علاوه بر تجارت، اسارت در جنگ یکی از دلایل افزایش برده در عصر فاطمی بود. در نتیجه جنگ‌های متعددی که بین فاطمیان و رومیان شرقی و صلیبی‌ها و حاکمان آفریقایه از یک سو و حاکمان کوچک مانند اخشیدیان، حمدانیان شام و قرمطیان از سوی دیگر به وقوع پیوست^۷ دولت فاطمی توانست تعداد زیادی از افراد را به اسارت درآورد و به عنوان برده به مصر بفرستد.

۱. معزی، پیشگامان حکومت‌های شیعی؛ تاریخ حمدانیان و فاطمیان، ص ۱۷۳.

۲. بلوی، سیرت احمد بن طولون، ص ۵۱، ۴۴؛ ابن تغری بردی، النجوم الزاهرة، ج ۳، ص ۱۵-۱۶.

۳. طرابلس را قیصر بنا نمود و عمرو بن عاص در ۲۳ ه.ق، آن را فتح نمود. شهری با رباط‌ها و بازارهای پر رونق بود (باقوت حموی، معجم البلدان، ج ۴، ص ۲۸).

4. Tripoli.

۵. واکر، پژوهشی در یکی از امپراتوری‌های اسلامی، ص ۷۴.

۶. نظام الملک طوسی، سیاست‌نامه، ص ۱۲۶-۱۲۷؛ واکر، پژوهشی در یکی از امپراتوری‌های اسلامی، ص ۷۴.

۷. ابن اثیر، الکامل، ج ۱۲، ص ۵۱۳۰، ۵۱۷۵، ۵۳۰۸؛ ابن تغری، النجوم الزاهرة، ج ۴، ص ۷۲، ۶۲.

به عنوان مثال در اواخر دوران خلافت العزیز فاطمی (حک. ۳۶۵-۳۸۶ ه.ق) بیش از دویست و پنجاه اسیر رومی در قاهره به نمایش در آمدند که بیشتر آنها را اسیران بیزنطی^۱ تشکیل می‌دادند که نزد رومیان به عنوان برده بودند.^۲ همچنین می‌توان به حمله تعدادی از لواته^۳ در ۵۱۷ ه.ق از مغرب به مصر اشاره نمود که وزیر فاطمیان، مأمون بطائی (د. ۵۲۱ ه.ق) تعداد زیادی از آنان را کشت و تعداد بسیاری را اسیر نمود.^۴

عامل سوم افزایش بردگان، وجود افراد صاحب قدرت در دستگاه فاطمیان با خاستگاه غلامی بود. وجود زنان و مادران خلفای فاطمی که خود روزی کنیز بودند و بر خلفا نفوذ زیادی داشتند، می‌توانست در جلب و جذب بیشتر بردگان به دربار مؤثر واقع شود.

به عنوان مثال، مادر خلیفه مستنصر بالله (حک. ۴۲۷-۴۸۷ ه.ق) که کنیزی سودانی بود و تسلط کاملی بر مستنصر داشت، عاملی برای جذب هم‌وطنان خود بود. به گونه‌ای که تعداد بردگان سودانی در آغاز خلافت مستنصر به شکل خاصی افزایش پیدا کرد و به پنجاه هزار نفر رسید.^۵

توضیح این نکته لازم است که مادر مستنصر به گروه‌های موجود در مصر آن زمان، نمی‌توانست اعتماد نماید و برای حفظ جان و موقعیت خود و فرزندش ناگزیر بود، محافظانی از نژاد خویش را وارد دستگاه فاطمی نماید و به تدریج تعداد آنان زیاد گردید و

1. Byzantine.

اسیران بیزنطی به اسرایی گفته می‌شد که در جنگ با بیزانس به اسارت در می‌آمدند.

۲. مقریزی، المواعظ و الاعتبار، ج ۱، ص ۴۸۹.

3. Loate.

لواته یکی از قبایل بربر در مغرب بودند. بربرها به دو گروه بزرگ بُتر و بُرانس تقسیم می‌شدند. بربرهای بُتر، گروه بربرهای بدوی و صحرائین محسوب می‌شدند که از تعدادی قبایل شکل گرفته بودند که عمده آنها، لواته و زتاتّه بودند (چلونگر، زمینه‌های پیدایش خلافت فاطمیان، ص ۱۰۹).

۴. ابن اثیر، الکامل، ج ۱۰، ص ۶۱۶.

۵. مقریزی، المواعظ و الاعتبار، ج ۱، ص ۴۴۳.

دارای قدرت زیادی شدند.^۱ این زن به میزانی قدرت گرفت که به رأی او، وزیران و بلندپایگان کشوری و لشکری به مقام می‌رسیدند یا از جایگاه خویش به زیر کشیده می‌شدند.

به عنوان مثال، حسن بن علی یازوری^۲ (د. ۵۴۵۰ق) به واسطه مادر مستنصر به وزارت رسید و همین فرد سبب شد، مغرب به طور کامل از دست فاطمیان خارج شد.^۳ البته، ورود سודانیان به سپاه فاطمی سبب خشم گروه‌های نژادی دیگری، مانند ترکان و عرب‌ها شد و آنان در برابر سودانیان که مادر خلیفه از آنان حمایت می‌کرد و با اموال و سلاح، آنان را تجهیز می‌نمود،^۴ متحد شدند و جنگ‌هایی میان آنان درگرفت.

این جنگ‌ها که از ۴۵۴ق آغاز گردید، سرانجام به زیان سودانیان در ۴۵۹ق ختم شد.^۵ بر اثر این جنگ‌ها، آشفتگی داخلی به آن جا رسید که نظم سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به هم ریخت و مستنصر درصدد برآمد، نیروی جدیدی را به مصر آورد. او این بار از سپاهیان ارمنی به ریاست بدر جمالی (د. ۵۴۸۷ق) حاکم سابق دمشق که خاستگاهی غلامی داشت، دعوت کرد برای پایان دادن به جنگ‌های داخلی وارد مصر شود.^۶

۱. ابن اثیر، الکامل، ج ۸، ص ۱۱۵-۱۱۶؛ ابن تغری، النجوم الزاهرة، ج ۵، ص ۱۹؛ مقریزی، اتعاظ الحنفاء، ج ۲، ص ۱۹۹.

۲. یازوری وزیر مستنصر بالله بود. او پیرو آیین ابوحنیفه بود و در ۴۴۹ق به دستور مستنصر کشته شد (ابن اثیر، الکامل، ج ۱۳، ص ۵۸۷۷).

۳. مقریزی، اتعاظ الحنفاء، ج ۲، ص ۱۹۷-۲۱۲، ۲۱۴؛ معزی، پیشگامان حکومت‌های شیعی؛ تاریخ حمدانیان و فاطمیان، ص ۱۳۷-۱۳۸.

۴. ابن تغری، النجوم الزاهرة، ج ۵، ص ۱۸.

۵. مقریزی، اتعاظ الحنفاء، ج ۲، ص ۱۷۳، ۲۷۴.

۶. مقریزی، اتعاظ الحنفاء، ج ۲، ص ۲۶۵-۲۶۶؛ معزی، پیشگامان حکومت‌های شیعی؛ تاریخ حمدانیان و فاطمیان، ص ۱۴۳-۱۴۴؛ ایوب، التاریخ الفاطمی الاجتماعي، ص ۳۸-۴۱.

عوامل کم اهمیت دیگری هم سبب ورود بردگان به مصر می‌گردیده است. به عنوان نمونه می‌توان به ربودن اموال منقول دشمنان، مانند کشتی‌های مسافری و تجاری آنان اشاره نمود. چنان‌که فاطمیان در ۵۱۷ هجری، یک کشتی رومی را ربودند که در آن، پانصد نفر بودند.^۱

غلامانی که وارد مصر می‌شدند، نژاد و کارکردهای متفاوتی داشتند. نژاد بیشتر بردگان، سیاه پوست و ترک بود. بردگان اسلاوی^۲ و ارمنی هم در مصر حضور داشتند. در آن دوران، سیاه پوستان را از زنگبار، حبشه و آفریقای میانه می‌آوردند^۳ و ترکان در جنگ اسیر می‌شدند و یا در بازار برده فروشی، خریداری می‌گردیدند. در منابع آمده است که خواهر خلیفه، الحاکم بامرالله (حک. ۳۸۶-۴۱۱ ه.ق) به نام ست النصر، پنجاه خادم که از بردگان را به برادرش اهدا کرد که ده نفر آنها از اسلاوها بودند.^۴

ناصر خسرو^۵ (د. ۴۵۸ ه.ق)، جهان‌گرد مشهور که در قرن پنجم هجری در مصر بود، درباره نوع کار بردگان دستگاه خلافت توضیح می‌دهد که در یکی از کاخ‌های مستنصر، دوازده هزار خادم مشغول به کار بودند. البته، کسی قادر به شمارش تعداد این بردگان نبود؛ چون فقط در آشپزخانه سلطان، هزار برده مشغول به کار بودند.^۶ هم‌چنین، تعدادی از آن بردگان مرد، به جای مالکان خود در تجارت، داد و ستد و کارهای مالی مشغول بودند.^۷

۱. مقریزی، المواعظ و الاعتبار، ج ۱، ص ۴۷۹.

2. Slav.

اسلاوها اقوامی از اقوام هند و اروپایی بودند که در قسمت شرقی اروپا، روسیه و قسمت اعظم شبه جزیره بالکان پراکنده بودند (لغت نامه دهخدا).

۳. ناصر خسرو، سفرنامه، ص ۱۱۴.

۴. مقریزی، المواعظ و الاعتبار، ج ۱، ص ۴۵۷.

۵. درباره تاریخ وفات ناصر خسرو، گزارش‌های متعددی وجود دارد. فتح الله مجتبابی با بررسی اسناد مختلف، تاریخ ۴۵۸ ق را تاریخ احتمالی وفات او می‌داند (مجتبابی، ذکر چند سنه از تاریخ کبیر جعفری درباره تاریخ وفات ناصر خسرو، ص ۴۱۵-۴۱۸).

۶. ناصر خسرو، سفرنامه، ص ۱۲۹.

۷. مقریزی، المواعظ و الاعتبار، ج ۱، ص ۴۱۳.

دولت فاطمی، نظام تربیت بردگان و ممالیک را در مصر برقرار کرد تا آنان را برای اهداف خاص خود، تربیت و آماده سازد.^۱ فاطمیان در منطقه المناخات^۲ که مخصوص تربیت غلامان بود، اسرای جنگی را آموزش می دادند. معلمان خاصی در آن جا به اسیران کم سن، بسیاری از حرفه ها و صنایع به خصوص، خوش نویسی و تیراندازی را تعلیم می دادند که به آنها ترابی گفته می شد.^۳ برخی از آنان، فنون نظامی را در کنار اصول تبعیت از حاکم و خدمت به او می آموختند که این شیوه تربیتی را در سپاه فاطمی نظام حجره می خواندند.^۴

۳. دلایل حضور غلامان در مناصب سیاسی و اداری فاطمیان

در دولت فاطمی در حد گسترده ای، غلامان در مناصب مختلف به عنوان وزیر، حاجب، والی و کارگزار حکومت مشغول به کار بودند. در ادامه، ضمن تحلیل و تبیین دلایل این حضور، به مصادیق آن اشاره می شود.

۳-۱. توان مندی ها و ویژگی های شخصی

سخت کوشی و ابراز شایستگی های فردی و مدیریتی برخی از غلامان سبب جذب بیشتر آنها به وسیله فاطمیان می شد. در رأس تشکیلات دربار فاطمی، غلامان کار آزموده ای قرار داشتند که بدون داشتن عنوان وزیر، مانند وزیر عمل می کردند و همه امور مربوط به نهاد وزارت و فرماندهی سپاه را برعهده داشته اند و یا به دلیل لیاقت فردی به وزارت و فرماندهی سپاه می رسیدند.

۱. مقریزی، اتعاض الحنفاء، ج ۲، ص ۱۹۴.

۲. المناخات جایی بود که شتران را در آن نگهداری می نمودند و در دوره فاطمیان از مکان های نگهداری سپاهیان و غلامان بود.

۳. مقریزی، المواعظ و الاعتبار، ج ۲، ص ۱۹۴.

۴. معزی، پیشگامان حکومت های شیعی؛ تاریخ حمدانیان و فاطمیان، ص ۱۷۳.

بدون شک، جایگاه آنان از توان مندی آنان نشأت می‌گرفت. جوهر بن عبدالله، سردار بزرگ فاطمیان و فاتح مصر، مشهور به جوهر صِقلی (د. ۵۳۸۱ق) از این نمونه بود. او از غلامان رومی بود که در کودکی به عنوان غلام فروخته شد و فردی به نام صابر، او را به قیروان آورد.^۱ بعدها به دلیل داشتن امتیازات خاص به خلیفه فاطمی، المنصور بالله (حک. ۳۳۴-۳۴۱ق) پیش کش شد.^۲

توانایی‌ها و شایستگی‌های جوهر سبب ترقی سریع او در دربار منصور گردید.^۳ او به عنوان دبیر دربار فاطمی در نبردهای خلیفه شرکت می‌کرد و خلیفه در امور مهم با او به گفت‌وگو می‌پرداخت. جوهر از معدود کسانی بود که منصور، او را به خدمت معز درآورد. معز او را آزاد نمود و دبیر مخصوص خود، ملقب به کاتب و مکنّا به ابوالحسن کرد.^۴ او در ۳۴۵ه.ق،^۵ اداره امور فاطمیان را برعهده گرفت و مانند یک وزیر دارای قدرت شد.^۶

ابی الفتوح بَرَجَوَان (د. ۵۳۹۰ق) از دیگر غلامانی بود که به سبب لیاقت در دوره عزیز بالله (د. ۵۳۸۶ق) زمام امور دولت فاطمی را در دست گرفت. او به توصیه عزیز، عهده دار امور دولت الحاکم بامرالله (د. ۵۴۱۱ق) شد و مدت چهار سال در رأس قدرت بود. او در این ایام، سیطره فاطمیان را بر شام تثبیت نمود. در دوره او، فاطمیان و رومیان جنگ‌هایی داشتند که در نهایت به صلح با باسیلیوس^۷، امپراتور روم ختم شد. سرانجام، خلیفه الحاکم بامرالله که قدرت روزافزون او را نمی‌توانست تحمل نماید، دستور قتلش را صادر نمود.^۸

۱. ابن عذاری، البیان المغرب، ج ۱، ص ۲۳۴.

۲. مقریزی، اتعاظ الخنفاء باخبار الائمة الفاطمیین الخلفاء، ج ۳، ص ۸۴.

۳. عبدالله محمد جمال الدین، الدولة الفاطمیه قیامها ببلاد المغرب و انتقالها الی مصر الی نهاية القرن الرابع الهجری مع عناية الخاصة بالجیش، ص ۱۲۳ به نقل از قضاعی.

۴. ابن اثیر، الکامل، ج ۸، ص ۵۹۰؛ عودی، مقاله جوهر صقلی، دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۱.

۵. ابن ابی دینار، المؤمنس فی اخبار افریقیه و تونس، ص ۶۳.

۶. ابن اثیر، الکامل، ج ۱۲، ص ۵۰۶۷.

7. Bacilius.

۸. ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون، ج ۳، ص ۸۸-۹۱.

یکی دیگر از غلامانی که در دوره فاطمیان به مقامات بالا رسید، جَوْدَر صِقْلِی (د. ۳۶۲ ه.ق) بود. او غلام عبیدالله مهدی (د. ۳۲۲ ه.ق) بود که پس از عبیدالله در خدمت دیگر خلفای فاطمی؛ یعنی القائم بامرالله (د. ۳۳۴ ه.ق)، المنصور بالله (د. ۳۴۱ ه.ق) و المعز لدین الله (د. ۳۶۵ ه.ق) درآمد و مانند رئیس وزرای آنها بود. معز در جریان فتح مصر بین او و جوهر صقلی، پیوند برادری برقرار نمود.^۱

به دلیل آن که خلفای فاطمی در نیمه اول حکومت خود، قدرت مطلقه دولت بودند و اقتدار داشتند، عوامل دولت و دولت‌مردان تحت تأثیر خلیفه و فرمان‌بردار مطلق او بودند و هیچ عنصری از عناصر جامعه بر خلیفه برتری نمی‌یافت. غلامان، زیر دستان و سپاهیان که عده‌ای از بردگان بودند، جز اطاعت از فرمان خلیفه و ولی نعمت خود، اقدامی انجام نمی‌دادند.

وزیران این دوره تحت اوامر خلیفه فاطمی بودند.^۲ وزیران این دوره؛ یعنی از زمان وزارت یعقوب بن کلس (د. ۳۷۳ ه.ق) تا حسن بن علی یازوری (د. ۴۵۰ ه.ق) معروف به وزرای تنفیذی هستند.^۳ اختیارات آنان به امور دیوانی محدود بود و خلیفه حق عزل و نصب ایشان را^۴ داشت.

۲-۳. شورش و آشوب در ولایات به سبب گرایش به عباسیان

خلفای فاطمی در شرایطی که با آشوب‌های بسیار در گوشه و کنار سرزمین‌های تحت تصرف خویش روبه‌رو بودند و در شرایطی که این شورش‌ها، گاهی از حمایت مخالفان

۱. قلقشندی، صبح الاعشی، ج ۳، ص ۳۵۵.

۲. مقریزی، اتعاظ الحنفاء، ج ۲، ص ۱۹۵.

۳. وزارت تنفیذ یا وزارت اصحاب قلم به دوره نخست وزارت وزرا در خلافت فاطمی تا دوره مستنصر بالله گفته می‌شود. مقام وزارت در این عصر، منصب و وظیفه‌ای بود که واسطه میان خلیفه و دیوانیان و دیگر کارهای اجرایی به شمار می‌رفت و وزرا دارای اختیارات محدودی بودند (ناصری طاهری، فاطمیان در مصر، ص ۱۱۲).

۴. ماوردی، آیین حکمرانی، ص ۵۳-۶۰.

ایشان، مانند عباسیان برخوردار بود، تلاش می‌کردند افراد توانمند و معتمد را برای حکومت مناطق مختلف انتخاب کنند. در موارد بسیاری، این دو ویژگی در غلامان وجود داشت.

المعز لدین الله غلام خود، قیصر صِیقِلی (د. ۳۴۹ ه.ق)^۱ را حاکم باغایه^۲ کرد و به او دستور داد برای ترساندن قبایل، حملاتی را به نواحی مغرب میانه سامان دهد.^۳ بَرَجَوَان^۴ (د. ۳۹۰ ه.ق) غلام در دوره حکومت الحاکم بامرالله متولی امور مصر، شام، حجاز و مغرب شد.^۵ ناصرالدوله اِفتکین^۶، غلام مستنصر فاطمی از طرف وی، ولایت اسکندریه را بر عهده گرفت.^۷ بدر جمالی دوبار در سال‌های ۴۵۵ و ۴۵۸ ه.ق، حاکم فاطمی دمشق گردید. ایلدگن، فرمانده ترک نژاد قاهره در عصر مستنصر فاطمی بود که در هنگام ورود به قاهره، به اشاره بدر جمالی به وسیله مستنصر دستگیر شد.^۸

۱. قیصر غلام معز بود که در حمله به مغرب از خود توان مندی زیادی نشان داد و در نهایت در ۳۴۹ ق به دست جوهر کشته شد (ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون، ج ۳، ص ۷۲-۷۳).

۲. باغایه شهری بزرگ در اقصی افریقیه، بین مجانه و قسنطینه الهواء بود (یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۱، ص ۳۸۶).

۳. ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون، ج ۳، ۷۲؛ مونس، تاریخ و تمدن مغرب، ج ۲، ص ۷۸.

۴. برجوان از دوره عزیز، زمام امور دولت را در دست داشت و به توصیه عزیز، عهده دار امور دولت الحاکم شد. او در دوره حاکم، مدت چهار سال منصب وساطه را داشت و حاکم واقعی مصر بود و در نهایت به دستور الحاکم بامرالله کشته شد (ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون، ج ۳، ص ۸۸-۹۱؛ چلونگر و شاهمرادی، دولت‌های شیعی در تاریخ، ص ۴۰۰).

۵. مقریزی، اتعاظ الحنفاء، ج ۲، ص ۱۵۷؛ آیوب، التاریخ الفاطمی السیاسی، ص ۷۵.

۶. ناصر الدوله اِفتکین از موالی بدر جمالی بود. او در به وزارت رسیدن افضل بن بدر الجمالی در دوره مستنصر نقش مهمی داشته است. او بعد از مرگ مستنصر به حمایت از پسرش نزار درآمد و در نهایت به دست افضل کشته شد (ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون، ج ۳، ص ۱۰۴-۱۰۵).

۷. الذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۳۵، ص ۱۸۵.

۸. چلونگر، تاریخ فاطمیان و حمدانیان، ص ۱۰۳-۱۰۴، ۸۲.

۳-۳. بحران‌های اقتصادی و نقش غلامان در آنها

با نزدیک شدن فاطمیان به نیمه دوم حکومت خود، ضعف آنها بیشتر می‌گردید و بر قدرت غلامان افزوده می‌شد. در این دوران که با بحران‌های اقتصادی همراه بود، غلامان درباری نقش عمده‌ای در عزل و نصب و حتی قتل خلفا و کارگزاران حکومتی شهرهای مصر ایفا کردند. چنان که در روی کار آمدن الحاکم بامرالله (حک. ۳۸۶-۴۱۱ ه. ق) و الحافظ لدین الله فاطمی (حک. ۵۲۵-۵۴۴ ه. ق) بیشترین دخالت را داشتند و با تحریک زنان قصر، غلامانی مانند عنبرالریفی، ابن‌الداعی، امیر بن قوام الدوله صاحب‌الباب و طلائع بن رزیک (د. ۵۵۶ ه. ق) وزیر العاضد لدین‌الله (د. ۵۵۶ ه. ق) را کشتند.^۱ هم‌چنین، ابن عمّار کُتّامی، وزیر بربری فاطمیان به دست بَرَجَوَان (د. ۳۹۰ ه. ق) غلام الحاکم بامر الله کشته شد و بَرَجَوَان به جای او به قدرت رسید.

در فاصله سال‌های ۴۱۴ تا ۴۱۵ ه. ق و در عصر الظاهر لاعزاز دین الله (د. ۴۲۷ ه. ق) که قحطی و گرانی پدید آمد، دولت از پرداخت مستمری غلامان ناتوان شد. غلامان به شهر تِنِیس^۲ حمله کردند. عامل حکومت را عزل نمودند و از خزانه، ۱۵۰۰ دینار ستاندند.^۳ در عید قربان سال ۴۱۵ ه. ق، هنگامی که سفره طعام در قصر فاطمی گسترده شد، غلامان بر سفره هجوم بردند و فریاد زدند:

امان از گرسنگی، ما به خوردن آنچه بر سفره مولا یمان است سزاوارتر

هستیم.^۴

۱. ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون، ج ۳، ص ۱۲۲.

2. Tennis.

تنیس شهری در نزدیک رود نیل، بین فرما و دمیاط است (یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۲، ص ۶۰).

۳. مقریزی، اتعاظ الحنفاء، ج ۲، ص ۱۵۷.

۴. همان، ص ۱۶۲.

در دوره مستنصر بالله (حک. ۴۲۷-۵۴۸۷.ق) بارها قحطی و گرسنگی دامن گیر مردم و سپاهیان گردید که بیشتر از غلامان بودند. این امر، سبب شورش‌های مکرر آنان شد. چنانچه از سال ۵۴۵۷.ق، قحطی هفت ساله‌ای آغاز شد که یادآور قحطی دوره حضرت یوسف علیه السلام بود. بر اثر این قحطی، تعداد زیادی از گرسنگی مردند، یا به مرده خواری روی آوردند و یا مصر را ترک نمودند. همچنین، بیشتر چهارپایان از بین رفتند.

در چنین شرایطی، بارها غلامان به ویژه ترکان، دست به شورش و غارت زدند. بین ترکان و غلامان سودانی سپاه مستنصر که در سایه توجه مادر خلیفه، رسیدگی اقتصادی می‌شدند، درگیری‌های مکرری به وجود آمد. همچنین، بین غلامان ترک و مغاربه مستقر در باب زویله به دلیل کاهش ارزاق غلامان ترک، درگیری‌هایی رخ داد. در نتیجه این شورش‌ها و درگیری‌ها، سرزمین مصر به خرابه‌ای مبدل شد. به دنبال این قحطی و خرابی مستنصر از بدر جمالی خواست به مصر بیاید و به تدبیر امور پردازد.^۱

۴. دلایل حضور چشم‌گیر غلامان در امور نظامی

در لشکر فاطمیان از آغاز تا پایان خلافت ایشان در حد گسترده‌ای، غلامانی از نژادهای مختلف به عنوان سرباز و فرمانده حضور داشتند. در این راستا در ادامه با بیان دلایل حضور گسترده آنان در امور نظامی به بیان مصادیق آن می‌پردازیم.

۴-۱. عدم کارایی نیروهای بربر

سپاه فاطمی در ابتدا متکی بر نیروهای بربر کتامة بود که از افراد آزاد قبیله تشکیل می‌شدند. گروه‌های دیگر بربر، مانند صنهاجه به خصوص در دوره المنصور بالله (حک. ۳۳۴-۵۳۴۱.ق) به فاطمیان خدمت کردند.^۲ در مغرب، سپاهی از بردگان صقلایی که جوهر صقلی از میان آنان برخاست و تعدادی از غلامان سپاه سودانی که آنان را زویله

۱. ابن تغری، النجوم الزاهرة، ج ۵، ص ۱۵-۱۹؛ مقریزی، اتعاظ الحنفاء، ج ۲، ص ۱۹۵.

۲. ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون، ج ۳، ص ۴۸-۵۶، ۷۰.

و یا عبید الشراء می‌نامیدند به سپاه فاطمی پیوستند.^۱ اهمیت گروه زویله به حدی بود که عبیدالله مهدی^۲ (د. ۵۳۲۲ق) در نزدیک مهدیه، شهری به نام زویله برای سپاهیان خود ساخت.^۳

فاطمیان در مغرب، بر نیروی نظامی محلی تکیه می‌کردند، اما پس از انتقال به مصر، با سپاه برتر ملل شرقی که بیشتر از غلامان ترک و دیلم بودند، روبه‌رو شدند. عدم موفقیت سپاه فاطمی در روزگار معز و عزیز در لشکرکشی به شام، آنها را متوجه عدم کارایی سپاه بربر و برتری غلامان ترک نمود.^۴ بنابراین درصدد برآمدند، سپاهی کارآمد را جای‌گزین نیروهای محلی بربر نمایند که در استفاده از تیر و کمان ضعف داشتند.

به دلیل آن‌که در بین غلامان ترک، برتری چشم‌گیری در استفاده از سواره نظام تیر انداز دیده می‌شد،^۵ خلفای فاطمی به فکر استفاده از آنان افتادند. هم‌چنین، آنان از دیلمان و ترکان لشکر شکست خورده اخشیدی و کافوری در سپاه خود استفاده نمودند.^۶

۱. واکر، پژوهشی در یکی از امپراتوری‌های اسلامی، ص ۷۴.

۲. عبیدالله مهدی، خلیفه اول فاطمی بود که در ۲۹۷ق با کمک ابو عبدالله شیعی در مغرب ادنی به قدرت رسید. حکومت او در ۳۲۲ق، پس از ۲۴ سال به پایان رسید و پس از او، القائم بامرالله، خلیفه فاطمی شد (ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون، ج ۳، ص ۴۷-۶۲؛ چلونگر، دولت‌های شیعی در تاریخ، ص ۳۹۴، حسن ابراهیم حسن، تاریخ سیاسی اسلام، ص ۵۰۱).

۳. زویله شهری است که عبیدالله مهدی در افریقیه، نزدیک مهدیه ساخت. او و سپاهیان در مهدیه سکنا داشتند و عامه مردم در زویله بودند. البته، منازل سپاهیان در زویله بود و کار و مغازه‌های ایشان در مهدیه بود (باقوت حموی، معجم البلدان، ج ۳، ص ۱۸۰).

۴. ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون، ج ۳، ص ۷۶، ۷۹؛ ابن تغری، النجوم الزاهرة ج ۴، ص ۴۳.

۵. مقریزی، تعاض الحنفاء، ج ۱، ص ۲۴۳؛ مقریزی، المواعظ و الاعتبار، ج ۳، ص ۴۱۷-۴۱۸.

۶. ابن تغری، النجوم الزاهرة، ج ۴، ص ۱۱۷؛ معزی، پیشگامان حکومت‌های شیعی؛ تاریخ حمدانیان و فاطمیان، ص ۱۷۱، ۱۷۲.

۴-۲. تحکیم و تثبیت گرایی

این عامل علاوه بر عامل بالا، انگیزه اساسی تحقق روند به کارگیری غلامان در ساختار سیاسی و نظامی عصر فاطمی بود. فاطمیان برای تحقق این دو اصل بر قدرت و غرور عناصر محلی و حامیان اولیه خود پشت کردند. آنان از حمایت و پشتیبانی بی‌دریغ قبایل بربر برخوردار بودند، اما بربران، سپاهیان مزدور ترک و سودانی با تمرکزگرایی ناسازگاری داشتند؛ زیرا آنان دارای ساختار قبیله‌ای بودند و از تعدادی قبیله بزرگ تشکیل شده بودند.^۱

۴-۳. خارج کردن انحصار مشاغل لشکری از دست بربرها و مقابله با زیاده خواهی‌های آنان

در تاریخ سیاسی مصر، مانند بسیاری از حکومت‌های دیگر، تعارض و درگیری دولت‌ها پس از تثبیت یا در هنگام تثبیت قدرت با حامیان و پشتیبانان اصلی خود دیده می‌شود. از یک سو، حامیان اولیه با استقرار حکومت، خواهان بیشترین سهم از دست‌آوردهای جدید بودند و از دیگر سو، با این پرسش بنیادینی روبه‌رو می‌گشتند که وقتی توان بر سر کار آوردن قدرتی را دارند در فراز و نشیب تحولات، چرا خود از حامی قدرت به صاحبان اصلی قدرت مبدل نشوند؟

در زمان خلافت‌العزیز بالله (حک. ۳۶۵-۳۸۶ ه.ق)، دیلمی‌ها و ترک‌های سپاه الفتکین ترک پس از شکست و اسارت وارد لشکر فاطمی شدند. هدف او از تشکیل این سپاه جدید، خارج کردن انحصار مشاغل و مقامات لشکری از دست بربرها و مقابله با زیاده خواهی‌های آنان بود.^۲ عزیز که بسیار مشتاق ترکان بود، بردگان ترکی را که از شمال شرق ایران می‌آمدند و در بازارهای غربی فروخته می‌شدند، به خدمت گرفت.^۳

۱. مقریزی، المواعظ و الاعتبار، ج ۳، ص ۴۱۷-۴۱۸؛ ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون، ج ۳، ص ۱۰۰-۱۰۲، ۵۷؛ زیدان، تاریخ تمدن اسلام، ص ۸۴۹.

۲. مقریزی، اتعاط الحنفاء، ج ۱، ص ۲۴۳.

۳. مقریزی، المواعظ و الاعتبار، ج ۳، ص ۴۱۷-۴۱۸.

در دوره خلیفه مستنصر، زیاده خواهی‌های همین ترکان سبب شد تا او غلامان سودانی را در سپاه جذب نماید.^۱ تعداد این غلامان در سپاه فاطمی دوره مستنصر به حدی چشم‌گیر بود که خلیفه فاطمی، مستنصر به صاحب سودان معروف شد.^۲

تفاوت روابط بی‌آلایش و صمیمانه صاحبان قدرت با حامیان خویش، پیش از به قدرت رسیدن با تشریفات پیچیده سلاطین پس از قدرت‌گیری، تضاد و ناسازگاری بین صاحبان قدرت و حامیان ایشان پدید می‌آورد. خلفای فاطمی در مصر، شروع به ساخت قصرهای مجللی نمودند که با شکوه و آراسته بودند. خلیفه فاطمی بر تختی طلا و ملبس و مزین به تاج، شمشیر و چتر آفتابی^۳ جلوس می‌کرد که مبین اقتدار خلیفه بود. تزئینات دربار، مانند پرده‌های ابریشمی، تابلوهای نقاشی، تذهیب آثار خطی و کاشی‌ها بازتابی از شکوه خلیفه بودند.^۴

هم‌چنین، باور و بینش حامیان قدرت در رویارویی با حکومت که خود را فراتر از فرامین سلطان یا قواعد و قوانین ملک‌داری می‌دانستند، آشکارا تهدیدی برای نظم امنیت جامعه و تمرکزگرایی بود.

۴-۴. ضعف خلفای فاطمی و افزایش آشوب در سپاه

برخلاف دوره اول خلافت فاطمی که خلیفه قدرت داشت در نیمه دوم خلافت فاطمیان که عصر اقتدار وزارت نامیده می‌شد، خلفا در ظاهر قدرت اول، اما دست نشانده وزرایی، مانند بدر جمالی (د. ۴۸۷ ه.ق)، افضل بن بدر جمالی (د. ۵۱۵ ه.ق)، مأمون بطائحی (د. ۵۱۹ ه.ق)، ابوالفتح یانس ارمنی (د. ۵۲۶ ه.ق)، ابوالمظفر بهرام ارمنی (د. ۵۳۱ ه.ق)، رضوان ارمنی (د. ۵۳۳ ه.ق)، طلائع بن رزیک (د. ۵۵۶ ه.ق)، شاور بن مجیر سعدی (د. ۵۶۴ ه.ق) و ضرغام بن عامل لخمی (د. ۵۵۹ ه.ق) بودند.^۵

۱. ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون، ج ۴، ص ۸۰.

۲. همان؛ ماجد، ظهور الخلافة الفاطمية و سقوطها فی مصر، ص ۳۷۲.

۳. چتری که به عنوان سایه بان استفاده می‌شد.

۴. لاپیدوس، تاریخ جوامع اسلامی از آغاز تا قرن هجدهم، ص ۴۵۸، ۴۶۰.

۵. ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون، ج ۳، ص ۱۰۰-۱۲۷.

وزیران این دوره، وزیران تفویضی نامیده می‌شدند.^۱ مهم‌ترین دلیل روی کار آمدن این دسته از وزیران، ضعف خلفا در رویارویی با مشکلات و بر طرف نمودن شورش‌ها بود. در چنین شرایطی، آنان به افراد نیرومند متوسل می‌شدند. ضعف خلفا سبب شده بود که آنان توان مدیریتی چندانی برای نظم بخشیدن به امور حکومتی نداشته باشند.

در این دوره، گروه بزرگی از سپاهیان و درباریان فاطمی را غلامان تشکیل می‌دادند. آنان از ضعف خلفا استفاده کردند و در امور کشور، بیش از پیش دخالت نمودند و بسیاری از پست‌ها را از آن خود کردند.^۲ مسئله حضور غلامان در مناصب سیاسی و اداری زمانی تشدید می‌شد که برخی از وزیران خاستگاه غلامی داشتند.

بدر جمالی، اولین وزیر تفویضی در آغاز غلامی ارمنی به نام بدر بود که به امیری در شام به نام جمال الدوله بن عمار خدمت می‌کرد و از این روی به بدر جمالی و بعدها به بدر مستنصری (د. ۵۴۸۷ق) مشهور شد.^۳ در رسیدن او به این جایگاه، افزون بر توانمندی شخصی، شرایط سختی که خلیفه با آن روبه‌رو بود؛ یعنی قحطی، جنگ میان سپاهیان ترک و سودانی و زیاده خواهی نزدیکان خلیفه، درباریان و سپاهیان نقش داشت.^۴

خلیفه مستنصر برای حل مسائل مجبور شد از او که حاکم عکا بود، درخواست کمک نماید. او در سال ۵۴۶۷ق به وزارت المستنصر بالله (د. ۵۴۸۷ق) رسید و همه امور اداری، مالی، قضایی و دینی را در دست گرفت.^۵ به گفته ابن خلدون (د. ۵۸۰۸ق) وقتی ترکان بر

۱. در واقع به وزرایی که از زمان خلیفه مستنصر و وزارت بدر الجمالی روی کار آمدند و تا پایان دوره فاطمیان؛ یعنی وزارت صلاح الدین ایوبی (د ۵۸۹ق) همه امور حکومت فاطمی در دست آنها بود و با کسب بالاترین مقام نظامی بر دیگر مناصب اداری، دینی و قضایی چیرگی داشتند (ناصری طاهری، فاطمیان در مصر، ص ۱۱۲-۱۱۳، ۱۹۷-۱۹۸).

۲. معزی، پیشگامان حکومت‌های شیعی؛ تاریخ حمدانیان و فاطمیان، ص ۱۶۳-۱۶۴.

۳. مقریزی، اتعاظ الحنفاء، ج ۲، ص ۳۳۱، ۳۲۹؛ الزرکلی، الأعلام، ج ۲، ص ۴۵.

۴. مقریزی، اتعاظ الحنفاء، ج ۲، ص ۲۷۳-۲۷۹، ۲۹۲، ۲۹۷؛ ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون، ج ۳، ص ۱۰۱-۱۰۲.

۵. مقریزی، اتعاظ الحنفاء، ج ۲، ص ۳۳۴.

مستنصر غلبه کردند و فساد و فشار در همه جا شایع گردید، بدر جمالی از او خواست برای مقابله با سرداران مصر که قصد تجاوز از حد خویش دارند، سپاهی ترتیب دهد. مستنصر به او اجازه داد. بدر از عکا^۱ با ده کشتی و سپاهی از جنگ‌جویان ارمنی به راه افتاد و نزد خلیفه آمد. خلیفه او را بر هرچه آن سوی دیار او است، ولایت داد و او را امیر الجیوش لقب داد.^۲ بدر جمالی حکومت دمشق و مناصبی چون کافل قضاة المسلمین و داعی دعایة المؤمنین را خواستار شد. خلیفه همه این شروط را قبول کرد و مقام قاضی القضاتی و داعی الدعای را به او داد.^۳

علاوه بر جوهر صقلی و بدر جمالی، چهره‌های شاخصی از غلامان به عنوان وزیر، حاجب، والی و کارگزار حکومتی در دولت فاطمی مشغول به کار بودند. برخی از این چهره‌های شاخص در زمان ضعف خلفای فاطمی، مانند المستعلی بالله (د. ۵۵۹۵.ق) الحافظ لدین الله (د. ۵۵۴۴.ق) و الظاهر بامر الله (د. ۵۵۴۹.ق) که بیشتر با اختلافات سیاسی و شورش سپاهیان همراه بود، عهده دار امور گردیدند. سعید یانس (د. ۵۵۲۶.ق) و برغوارد هزار مرد (د. ۵۲۴.ق) دو تن از غلامان عهد الامر باحکام الله (د. ۵۵۲۴.ق) بودند که در دوره خلافت حافظ لدین الله (د. ۵۵۴۴.ق) به مقام وزارت رسیدند.^۴ هم‌چنین، به ابوالفتح برجوان (د. ۵۳۹۰.ق) معلم و وزیر الحاکم بامرالله و عادل بن سلال^۵ (د. ۵۵۴۸.ق) وزیر الظاهر بامرالله (د. ۵۵۴۹.ق) می‌توان اشاره نمود.^۶

1. Akka.

عکا اسم مکانی است غیر عکه بر ساحل دریای شام (یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۴، ص ۱۵۹).

۲. مقریزی، اتعاظ الحنفاء، ج ۲، ص ۳۱۱-۳۱۹.

۳. مقریزی، اتعاظ الحنفاء، ج ۲، ص ۳۱۹؛ ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون، ج ۳، ص ۱۰۱-۱۰۲.

۴. ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون، جلد ۳، ص ۱۱۴-۱۱۵؛ چلونگر، تاریخ فاطمیان و حمدانیان، ص ۱۲۵.

۵. ابن سلال، وزیر خلیفه الظاهر بامرالله بود، او فردی توانمند بود و در حفظ قوانین و سنن جدی بود. او در نهایت

به دستور خلیفه فاطمی و به دست نصر کشته شد (ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون، ج ۳، ص ۱۱۸-۱۱۹).

۶. ابن تغری بردی، النجوم الزاهرة، ج ۴، ص ۴۸؛ معزی، پیشگامان حکومت‌های شیعی؛ تاریخ حمدانیان و

فاطمیان، ص ۱۷۴.

نکته جالب توجه در بررسی مناصب غلامان آن است که در بسیاری از موارد، منصب‌های مختلف در میان غلامان موروثی می‌شد. چنان‌که بعد از مرگ بدر جمالی پسرش افضل بن بدر جمالی (د. ۵۱۵ ه.ق) مقام وزارت، تمامی اختیارات و حتی القاب پدر به علاوه لقب شاهنشاه را به ارث برد و پس از او، پسرش ابو علی احمد بن الافضل (د. ۵۵۲۵ ه.ق) به جای پدر به وزارت برگزیده شد.^۱

۴-۵. علایق و باورهای دینی بربرها

یکی از عوامل اختلاف بین فاطمیان و بربرها، باورهای دینی بربرها بود. این مسئله در نهایت، فاطمیان را از تکیه به آنان باز می‌داشت. لعن صحابه در دوره خلیفه، قائم^۲ سبب شورش‌های بزرگی گردید که از همه شورش‌ها خطرناک‌تر، شورش ابویزید مَخْلَد بن کَیْدَاد^۳ (د. ۳۳۶ ه.ق) بود که جانشین القائم بامرالله (د. ۳۳۴ ه.ق)؛ یعنی المنصور بالله (د. ۳۴۱ ه.ق) موفق به فرونشاندن آن شد.^۴

۴-۶. اعتقادات ساکنان بومی مصر

وجود حکومت‌های سنی وابسته به خلافت عباسی، مانند طولونیان و اخشیدیان در مصر پیش از فاطمیان سبب شده بود، ساکنان بومی مصر، باور و اعتقاد به اسلام را با مذهب اهل تسنن عجین بدانند. بنابراین، توده مردم و نیروهای بومی به مذهب تسنن گرایش داشتند و باورهای خویش را حفظ کرده بودند.^۵ اعتقاد به خلافت عباسی به عنوان قدرت معنوی و نیروی جهانی اسلام سبب شده بود که نیروهای محلی به خلفای عباسی گرایش پیدا کنند.

۱. ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون، ج ۳، ص ۱۰۴، ۱۱۵.

۲. همان، ج ۶، ص ۱۵.

۳. ابویزید مَخْلَد از رهبران خوارج بود. او معروف به صاحب حمار بود که علیه فاطمیان قیام کرد. قیام او از دوره قائم بامرالله شروع شد و در دوره المنصور بالله پایان یافت (ابن عذاری، البیان المغرب، ج ۱، ص ۲۲۸-۲۳۲؛ حسن ابراهیم حسن، تاریخ سیاسی اسلام، ص ۵۰۳-۵۰۵؛ چلونگر، دولت‌های شیعی در تاریخ، ۳۹۴-۳۹۶).

۴. مقریزی، اعطاء الحنفاء، ج ۱، ص ۸۳، ۷۵؛ حسن ابراهیم حسن، تاریخ سیاسی اسلام، ص ۵۰۳.

۵. حسن ابراهیم حسن، تاریخ سیاسی اسلام، ج ۳، ص ۴۸۷-۴۹۹؛ زیدان، تاریخ تمدن اسلام، ص ۸۴۶-۸۴۷.

بخش‌های بزرگی از مصر در نواحی روستایی، تحت سلطه قبایل بدوی عرب قرار داشت. فاطمیان هیچ گونه نفوذ دینی در این قبایل نداشتند و هیچ شاهد و مدرکی در دست نیست که نشان دهد آنها می‌کوشیدند تشیع اسماعیلی را در میان این طوایف رواج دهند. یکی از نتایج این امر آن بود که فاطمیان تسلط و نفوذ مؤثری در میان آنها نداشتند.^۱ این گروه‌های قبیله‌ای، چون فرصتی پیش می‌آمد یا از یک دشمن جانب‌داری می‌کردند یا خود سر به شورش بر می‌داشتند.

یکی از این قیام‌ها، قیام مدعی اموی، ابورکوه (د. ۳۷۹ ه.ق)^۲ در زمان الحاکم بامرالله فاطمی بود که بعد دینی داشت.^۳ او در حوالی ۳۹۵ ه.ق به پشتیبانی بربرهای زناته^۴ در ناحیه برقه شورش کرد. اندکی بعد، قبیله عرب قره که در دلتای نیل درست در شرق اسکندریه سکنا داشتند، به لشکر او پیوستند.^۵ هم‌چنین، اعراب ناحیه صعید، او را حمایت نمودند.^۶

سرانجام عملیات شگفت‌انگیز ارتش فاطمی این شورش را فروخواباند، اما نزدیکی این حادثه به قاهره نشان می‌دهد که حمایت و پشتیبانی از حاکم تا چه حد در میان قبایل و طوایف روستایی و جمعیت شهری ناچیز و غیر قابل اعتماد بود. در دوره مستنصر، اعراب ناحیه قره دست به شورش‌های مکرر می‌زدند.^۷

۱. ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون، ج ۳، ص ۴۴۵.

۲. ابورکوه مدعی بود از خاندان بنی امیه اندلس است. او قیام خود را در زمان خلافت الحاکم بامرالله در برقه شروع نمود و قصد داشت، مصر را تصرف نماید که موفق نشد (ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون، ج ۳، ص ۹۲؛ مقریزی، اتعاظ الحنفاء، ج ۲، ص ۶۰-۶۱؛ چلونگر، دولت‌های شیعی در تاریخ، ص ۴۰۱).

۳. زناته قومی از بربر بتر در مغرب محسوب می‌شدند (چلونگر، زمینه‌های پیدایش خلافت فاطمیان، ص ۱۰۹).
4. Zannata.

۵. مقریزی، اتعاظ الحنفاء، ص ۶۰؛ واکر، پژوهشی در یکی از امپراتوری‌های اسلامی: تاریخ فاطمیان و منابع آن، ص ۷۲.

۶. ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون، ج ۳، ص ۹۳.

۷. مقریزی، اتعاظ الحنفاء، ج ۲، ص ۱۹۵.

عباسیان در اقدامات ضد فاطمی، تحریک حکومت‌های طرفدار خود و تقویت آنان، مانند بنی مرداس در حلب یا بنی زیری در مغرب که تا ۴۴۳ ه.ق، وابسته به خلافت فاطمیان بودند^۱ و در بعد تبلیغاتی، زیر سؤال بردن نسب فاطمیان^۲ را اجرا می‌کردند. در عصر خلیفه عباسی، قادر در سال ۴۰۲ ه.ق، محضرنامه‌ای ضد فاطمیان تهیه شد و به امضای گروهی از عالمان سنی و شیعه، مانند سید مرتضی، ابن بطحای و ابن ازرق رسید که فاطمیان را از دودمان حضرت فاطمه علیها السلام نمی‌دانستند.^۳

۴-۷. توسعه و وسعت اراضی فاطمیان و ضرورت استقرار نیروهای فاقد تعلقات مادی

در مناطق مفتوحه

با گسترش قلمرو فاطمیان و لشکرکشی در ولایاتی چون شام، مغرب اسلامی، سیسیل، حجاز و یمن بیش از پیش، ضرورت تشکیل سپاه ثابت احساس می‌گردید و تکیه بر کارایی نیروهای محلی و بربر نامعقول به نظر می‌آمد. تعلقات مادی و معنوی این نیروها به سرزمین‌های خویش تاحدی از کارایی آنان در لشکرکشی به مناطق دور دست می‌کاست و موجب بروز نارضایتی می‌گردید.^۴ غلامان ستون فقرات این سپاه نو بودند که تصور می‌شد به دلیل فقدان یا ضعف تعلقات مادی و معنوی و الزام به تابعیت از مالکان خود، آماده فرمان‌برداری در هر مکانی برای استقرار یا لشکرکشی و فتوحات هستند. فاطمیان نژادهای مختلف غلامان ترک، سودانی و ارمنی را در سپاه خود به کار می‌گرفتند تا میان نیروهای نظامی توازن و تعادل ایجاد نمایند و از برتری نظامی هریک از آنها بهره ببرند، اما بسیاری از خلفا در نیمه دوم خلافت فاطمی، قدرت رهبری نداشتند و نتوانستند میان این نیروها توازن ایجاد کنند. به همین دلیل، آشوب‌های بزرگ و

۱. ابن تغری، النجوم الزاهرة، ج ۵، ص ۵۱؛ ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون، ج ۳، ص ۹۷-۱۰۱.

۲. ابن اثیر، الکامل، ج ۱۳، ص ۵۴۸۶.

۳. همان؛ حسن ابراهیم، تاریخ سیاسی اسلام، ج ۳، ص ۵۵۲؛ حتی، تاریخ عرب، ص ۷۸۶.

۴. ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون، ج ۳، ص ۷۹-۸۰.

جنگ‌های داخلی میان این نیروها به خصوص در دوره خلافت المستنصر بالله (د. ۵۴۸۷.ق) و الظافر بامرالله (د. ۵۴۹.ق) بر پا گردید.

هم‌چنین در هر دوره، وقتی خلیفه به یک دسته نژادی از غلامان روی می‌آورد، آنان تلاش می‌کردند تمام پست‌ها را تصاحب کنند. بنابراین، خلیفه پس از مدتی برای مقابله با زیاده خواهی‌های آنان به دسته دیگری از غلامان روی می‌آورد.

۴-۸. قدرت غلامان در امور نظامی

توان نظامی غلامان به حدی رسیده بود که سپه‌سالاران و فرماندهان لشکر فاطمی در موارد بسیاری از میان غلامان برگزیده می‌شدند و خلفای فاطمی یا بزرگان فاطمی، غلامان را برای نبردها و جنگ‌های نظامی به عنوان فرمانده برمی‌گزیدند. به عنوان مثال، به منصور خبر رسید که پادشاه فرنگان، عزم نبرد با مسلمانان را دارد. منصور کشتی‌ها را از سپاهیان پر کرد و غلام خود، فرج الصقلی را بر آن فرماندهی داد. منصور به حسین بن علی، عامل صقلیه فرمان داد با فرج الصقلی همراه شود.^۲ هم‌چنین در جنگ با فضل پسر ابو یزید و معبد بن خزر، منصور لشکری را به سرداری دو غلام خود، شفیع و قیصر به جنگ فرستاد. در دوره معز، غلامان او، قیصر و جوهر به فرماندهی سپاه گمارده شده بودند.^۳ معز در ۳۴۷.ق برای تسلط بر سراسر مغرب میانه و دور، درهم شکستن مقاومت بربرها و سرکوب مخالفان دولت فاطمی و هواداران دولت اموی اندلس، سپاه بزرگی تجهیز کرد و فرماندهی آن را به جوهر سپرد. سپاه فاطمیان به فرماندهی جوهر توانستند شهرهای مغرب دور را یکی پس از دیگری فتح کنند و پیروزمندان به مهدیه، مقر حکومت برگردند. فاطمیان در ۳۵۸.ق به فرماندهی این غلام سلحشور توانستند مصر را از دست اخشیدیان و کافوریان در آورند و به مدت دو قرن بر آن حکومت کنند.^۴

۱. همان، ص ۱۰۰-۱۰۱؛ مقریزی، اتعاظ الحنفاء، ج ۲، ص ۳۱۱-۳۱۹، ۳۲۹-۳۳۱.

۲. ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون، ج ۳، ص ۷۱.

۳. همان، ص ۷۲-۷۳.

۴. ابن عذاری، بیان المغرب، ج ۱، ص ۲۳۴-۲۳۵؛ ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون، ج ۳، ص ۷۲-۷۵.

هم‌چنین در میان فرماندهان و سرداران سپاه با خاستگاه غلامی می‌توان به نصیر الدوله افکین، فرمانده ترک سپاه فاطمیان در عصر مستنصر^۱، بکجور (د. ۵۳۸۱ق) ترک در زمان عزیز و مختار صقلابی از فرماندهان سپاه صقلابی فاطمیان و حسین بن جوهر (د. ۵۴۰۱ق) در عصر الحاکم بامرالله^۲ اشاره کرد که همه آنان در سایه توجه و حمایت خلفای فاطمی به مقام‌های بالای نظامی رسیدند.

۴. نتیجه

فاطمیان در مصر، مانند حکومت‌های طولونیان و اخسیدیان که پیش از آنان در این سرزمین حکومت می‌نمودند و در امور سیاسی و اداری به غلامان وابسته بودند در سطح وسیعی به استخدام غلامان نژادهای مختلف ترک، ارمنی، اسلاوی و سیاهان سودانی پرداختند. فاطمیان پیش از ورود به مصر در سرزمین مغرب، روند به کارگیری غلامان در امور سیاسی و نظامی را آغاز نموده بودند.

نتایج پژوهش درباره دلایل استخدام غلامان نشان می‌دهد که دلایلی، مانند عدم اعتماد به نیروهای محلی به دلیل اعتقادات مذهبی و تمایل آنها به خلافت عباسی، حفظ استقلال حکومت در برابر مدعیان و مخالفان داخلی، فراهم کردن سپاهی فرمان‌بردار و مطیع، توانایی‌ها و ویژگی‌های شخصی و نظامی برخی از غلامان از عمده‌ترین عوامل جذب محسوب می‌شدند.

با این حال، پی‌آمد به کارگیری غلامان، مطابق انتظارات نبود. غلامان به مرور زمان در ساختار سیاسی فاطمیان به جایگاهی والا رسیدند. به خصوص در نیمه دوم حکومت فاطمیان که خلفای ضعیفی از زمان مستنصر روی کار آمدند، آنان توانستند به بالاترین مقام سیاسی اداری مصر؛ یعنی وزارت برسند و دوره‌ای از وزارت تفویضی را شکل دهند.

۱. چلونگر، تاریخ فاطمیان و حمدانیان، ص ۱۰۱.

۲. معزی، پیشگامان حکومت‌های شیعی؛ تاریخ حمدانیان و فاطمیان، ص ۱۲۸-۱۲۹، ۱۸۸.

آنان در حالی که بر دستگاه سیاسی و اداری سیطره داشتند و امور سپاهی، قضاوت و دستگاه دعوت فاطمی برعهده آنان بود و در عزل و نصب و حتی کشتن خلفا نقش داشتند.

با این حال در طول تاریخ فاطمیان، شورش‌های مکرری از سوی غلامان به ویژه در بحران‌های اقتصادی رخ داده است و گروه‌های مختلف غلامان به صورت مداوم با یکدیگر درگیر بودند. بنابراین، غلامان یکی از عوامل مهم انحطاط فاطمیان شناخته می‌شوند.

منابع

۱. ابن ابی دینار، محمد بن ابی القاسم، المؤمنس فی اخبار افريقية و تونس، تحقیق محمد شمام، تونس: المكتبة العتيقة، ۱۳۸۷ق.
۲. ابن اثیر جزری، عزالدین، الكامل، بیروت: دارصادر، ۱۹۶۵م/۱۳۸۵ق.
۳. ابن اثیر، عزالدین، تاریخ کامل، برگردان حمیدرضا آذیر، تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۹۱.
۴. ابن ایاس، محمد بن احمد، بدائع الزهور فی وقایع الدهور، قاهره: هیئة المصرية العامة للكتاب، ۱۴۰۲ق.
۵. ابن تغری بردی، جمال الدین، النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة، قاهره: وزارت الثقافة و الارشاد القومي، بی تا.
۶. ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۳.
۷. ابن عذارى، ابی العباس احمد، البیان المغرب فی اختصار اخبار ملوک الاندلس و المغرب، تحقیق بشار عواد معروف و محمود بشار عواد، تونس: دار العزت الاسلامی، ۲۰۱۳م.
۸. آیوب، ابراهیم رزق الله، التاريخ الفاطمی الاجتماعی، بیروت: الشركة العالمية للكتاب، ۱۹۹۷/۱۳۷۶م.
۹. آیوب، ابراهیم رزق الله، التاريخ الفاطمی السياسي، بیروت: الشركة العالمية للكتاب، ۱۳۷۶.
۱۰. بلوی، ابو محمد عبدالله، سیرت احمد بن طولون، به کوشش محمد کردعلی، قاهره: مكتبة الثقافة الدينية، بی تا.
۱۱. جاحظ، ابی عثمان عمرو، رسائل الجاحظ، الرسائل السياسية، بیروت: دار و مكتبة الهلال، بی تا.
۱۲. جمال الدین، عبدالله محمد، الدولة الفاطمية قیامها ببلاد المغرب و انتقالها الى مصر الى نهاية القرن الرابع الهجرى مع عناية الخاصة بالجيش، قاهره: دارالعلوم، ۱۴۱۱هـ/ق/۱۹۹۱.
۱۳. چلونگر، محمد علی، تاریخ فاطمیان و حمدانیان، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۰.
۱۴. چلونگر، محمد علی، زمینه‌های پیدایش خلافت فاطمیان، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۶.
۱۵. چلونگر، محمد علی و سید مسعود شاهمرادی، دولت‌های شیعی در تاریخ، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۵.
۱۶. حموی، یاقوت، معجم البلدان، تحقیق فرید عبدالعزیز الجندی، بیروت: الدار الکتب العالمیه، بی تا.
۱۷. حسن ابراهیم، حسن، تاریخ سیاسی اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات جاویدان، ۱۳۷۶.
۱۸. الذهبی، شمس الدین محمد، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت: دارالكتاب العربی، ۱۴۱۳هـ.ق.

۱۹. الزرکلی، خیر الدین، الأعلام، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۹۸۹م.
۲۰. زیدان، جرجی، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهر کلام، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۴.
۲۱. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، حسن المحاضرة فی تاریخ مصر و القاهرة، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بی جا: بی نا، ۱۹۶۷م.
۲۲. شبلی، احمد، موسوعة التاریخ الاسلام و الحضارة الاسلامیة، قاهره: مكتبة النهضة المصریة، ۱۹۹۹م.
۲۳. صفدی، صلاح الدین خلیل، الوافی بالوفیات، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۲۰۰۰م/۱۴۲۰ه.ق.
۲۴. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الطبری، الرياض: بیت الافکار الدولیة، بی تا.
۲۵. طوسی، نظام الملک، سیاست نامه، به کوشش جعفر شعار، بی جا: بی نا، ۱۳۷۴.
۲۶. عودی، ستار، «جوهر صقلی شهرت جوهر بن عبدالله»، دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۱، تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی، ۱۳۹۳.
۲۷. القلقشندی، احمد بن علی، صبح الاعشی فی صناعة الانشاء، قاهره: وزارة الثقافة و الارشاد القومي، ۱۳۸۳ق.
۲۸. مجتبابی، فتح الله، «ذکر چند سنه از تاریخ کبیر جعفری درباره تاریخ وفات ناصر خسرو، فردوسی و خیام»، مجله یغما، سال پانزدهم، آذر ۱۳۴۱، ش ۹.
۲۹. لاپیدوس، ایرام، تاریخ جوامع اسلامی از آغاز تا قرن هجدهم، ترجمه محمود رمضان زاده، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۶.
۳۰. ماجد، عبدالمنعم، ظهور الخلافة الفاطمیة و سقوطها فی مصر، قاهره: دارالفکر العربی، ۱۹۹۴م.
۳۱. ماوردی، علی بن محمد، آیین حکومت، مترجم حسین صابری، تهران: انتشارات علمی و فرهنگ، ۱۳۸۳.
۳۲. معزی، مریم، پیشگامان حکومت های شیعی تاریخ حمدانیان و فاطمیان، تهران: سمت، ۱۳۹۰.
۳۳. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران: ندا، ۱۳۸۱.
۳۴. مقریزی، احمد بن علی، اتعاظ الحنفاء باخبار الأئمة الفاطمیین الخلفاء، تحقیق محمد حلمی محمد احمد، قاهره: المجلس الاعلی للثئون الاسلامیة، ۱۳۹۳ه.ق.
۳۵. مقریزی، احمد بن علی، المواعظ و الاعتبار فی ذکر خطط و الآثار، قاهره: مكتبة الثقافة الدینیة، بی تا.
۳۶. مونس، حسین، تاریخ و تمدن مغرب، ترجمه حمید رضا شیخی، تهران: سمت، ۱۳۸۴.
۳۷. ناصر خسرو، سفرنامه، تصحیح نادر وزین پور، تهران: شرکت سهامی کتاب های جیبی، ۱۳۷۰.
۳۸. ناصری طاهری، عبدالله، فاطمیان در مصر، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۳.
۳۹. واکر، پل، پژوهشی در یکی از امپراتوری های اسلامی: تاریخ فاطمیان و منابع آن، ترجمه فریدون بدره ای، تهران: فرزانه روز، ۱۳۸۳.

